

## محوریت

۴

# آیات و روایات در تبلیغ

جواد حاج حسینی

### اشاره

ضعیف یا قوی، نادرست یا صحیح باشد، عمل نیز این چنین خواهد بود.

مولای متقیان، امیر مؤمنان، علی علیه السلام می فرماید: «يَسِيرُ الْمَعْرِفَةُ يُوجِبُ فُسَادَ الْعَمَلِ» کمی شناخت، موجب تباهی عمل می شود.

در به کاربردن آیات و روایات، شناختهایی لازم است که به برخی از آنها اشاره می کنیم؛ البته ناگفته نماند که این شناختها باید در پژوهش و انتخاب موضوع و مطلب نیز مورد توجه قرار گیرد:

### شناخت مخاطب

در مخاطب شناسی علاوه بر جنبه علمی و تئوری آن، جهت مهارتی آن نباید

در این شماره، آخرین قسمت محوریت آیات و روایات را ارائه می کنیم. در سه شماره پیشین مطالبی را در مورد «اهمیت و چرایی» محوریت آیات و روایات و «چگونگی تحقیق و پژوهش» در آنها و «زمینه سازی» برای طرح آنها، که فصل اول و دوم راهکارهای عملی بیان آیات و روایات بود، مطرح کردیم. در این قسمت، می خواهیم فصل سوم را با عنوان «نکات به کارگیری آیات و روایات» بیان کنیم.

### فصل سوم: نکات به کارگیری

### آیات و روایات

در به کارگیری آیات نور و روایات روح بخش اهل بیت علیهم السلام، نکاتی را باید مد نظر داشت که به برخی از آنها می پردازیم:

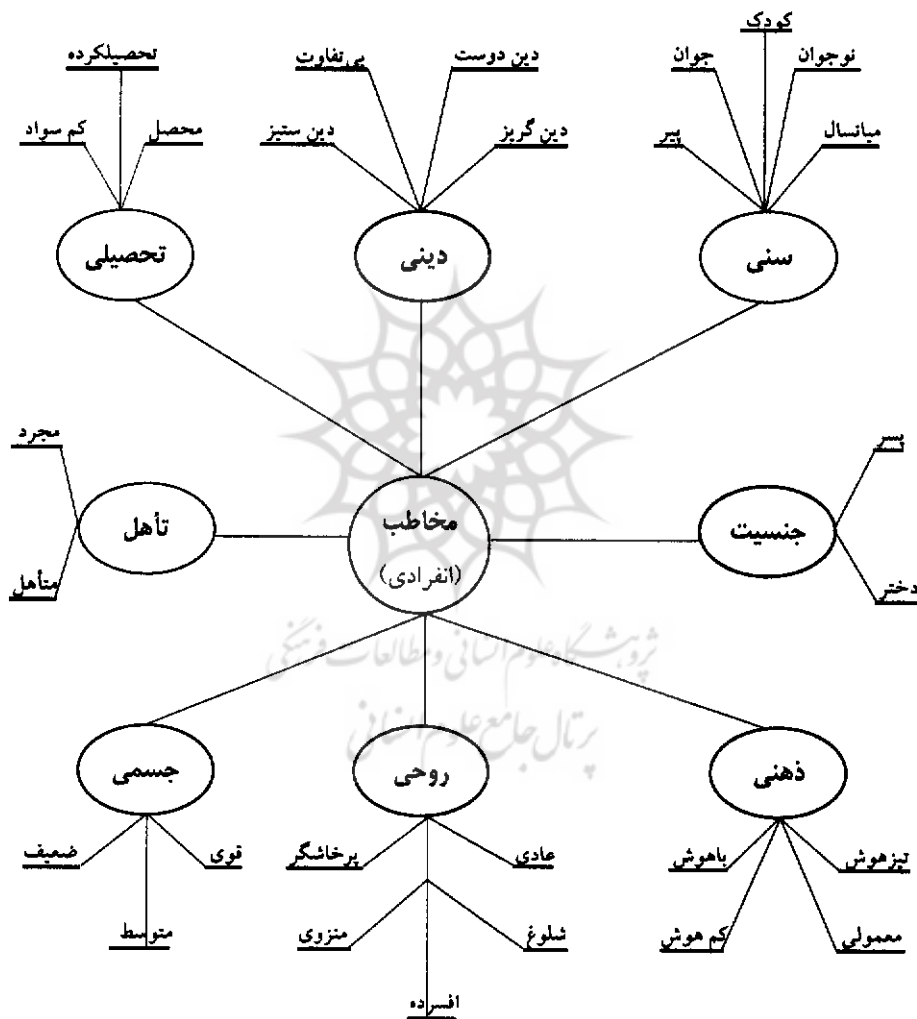
### ۱. شناختها

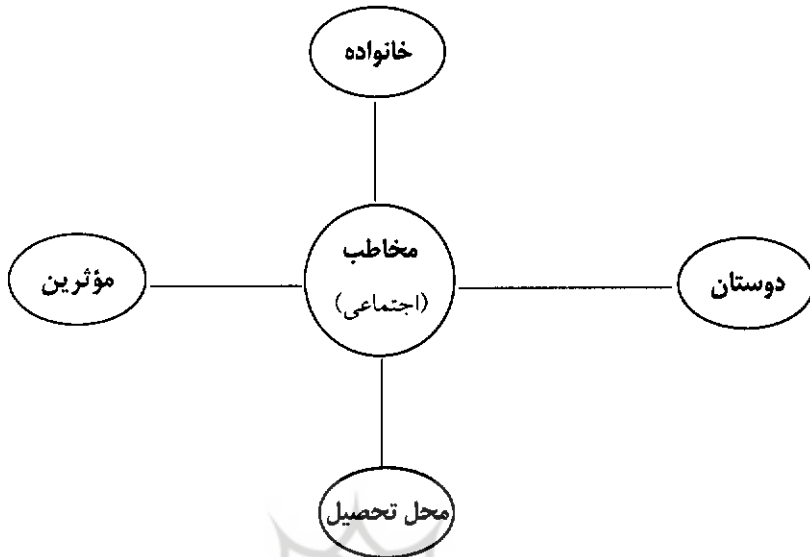
شناخت، مقدمه عمل است. اگر شناخت

مورد غفلت قرار گیرد. پس اگر بخواهید مخاطب را به خوبی بشناسید، علاوه بر مطالعه و مشورت و فکر، به تجربه و کار عملی نیز نیازمندید.

مرئی برای شناخت بهتر مخاطبین، باید آنها را از جهات فردی و اجتماعی مورد دقت قرار

دهد:





#### شناخت جامعه

گاهی در جامعه و اجتماعی، طرز تفکرات، آئین و سنن، آداب و رسوم و پیشینه‌هایی ذهنی وجود دارد که به هنگام مطرح کردن آیه و روایت باید آنها را دانست. شناخت محل تبلیغی را حتماً در برنامه‌های خود قرار دهید تا با شناخت بهتر، بحث مناسب‌تر و آیه و روایت دقیق‌تری را مطرح نمایید.

پیشوای راستین، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ»<sup>۲</sup> در حکمت آل داود آمده است: بر عاقل سزاوار است که به زمانه

با توجه به شناختی که از مخاطب دارید و پژوهشی که انجام داده‌اید، مطالب عمیق دینی را با شیوه‌های جذاب و درخور فهم و درک مخاطب، بیان کنید.

صادق آل طه که عالی‌ترین درووها بر او باد، فرمودند: «مَا كَلَّمَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْعِبَادَ بِكُنْهٍ عَقْلِيهِ قَطُّ وَقَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ»<sup>۱</sup> قطعاً رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با مردمان از عمق عقل و کنه درایت خود سخن نگفته است.

سپس فرمودند: فرستاده خدا (دروود خدا بر او و خاندانش باد!) فرمودند: ما، قشر انبیاء، امر شدیم به اینکه با مردم به اندازه عقل و درکشان صحبت کنیم.»

۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۳، ح ۱۵.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۱۶، ح ۲۰.

خویش آگاه و دانا باشد.»

### شناخت محیط

فرض کنید جنجالی بین دانش آموزان رخ داده است و دانش آموزان عصبانی و ناراحت هستند یا فیلم مهیجی برای آنها پخش شده و هیجانات فیلم در اعمال و رفتارشان هویداست، یا سخنران موفقی قبل از شما برای آنها صحبت کرده و ذهن مخاطبین را در فضای خاصی سیر داده است و...

اگر بدون در نظر گرفتن محیطی که در آن قرار گرفته‌اید و برخی مسائل جانبی آن، شروع به صحبت کنید و آیه و روایت بخوانید، گاهی به طور مستقیم و غیر مستقیم، اثرات نامطلوبی را بر شنونده گذاشته‌اید؛ مثلاً وقتی دانش آموزان به خاطر دعوی فیزیکی، عصبانی یا ناراحت هستند، خواندن آیه و گفته‌های امامان معصوم علیهم‌السلام در مورد صبر، دوستی و... به بعضی از آنها این نکته را القاء می‌کند که شما صبور یا با محبت نیستید و طبیعی است که مخاطب، در این شرایط روحی، از شنیدن این توصیه‌ها ناراحت می‌شود؛ خصوصاً اگر نوجوان یا جوان باشد.

پیامبر بزرگ اسلام که زیباترین سلام‌ها به او و خاندانش باد، می‌فرماید: «إِذَا حَدَّثْتُمُ النَّاسَ عَنْ رَبِّهِمْ فَلَا تَحْدِثُوهُمْ بِمَا

يُفْزِعُهُمْ وَيَشُقُّ عَلَيْهِمْ؛<sup>۱</sup> هنگامی که با مردم از پروردگارشان سخن می‌گویید، به آنچه که آنها را ناراحت می‌سازد و بر آنها سخت می‌آید، صحبت نکنید.»

یسا هنگامی که دانش آموزان فیلم مهیجی را دیده و به شوخی و تحرک مشغول‌اند، بیان کلام حق و نورانی قرآن و ائمه اطهار علیهم‌السلام در مورد تحصیل و درس خواندن، گاهی مضحکه و شوخی با مفاهیم دینی را به ارمغان می‌آورد و تفکر و تأمل پیرامون بحث مطرح شده به بی خیالی و سطحی نگری مبدل می‌گردد.

امیر متقیان و امام شیعیان، علی علیه‌السلام می‌فرماید: «لِكُلِّ مَقَامٍ مَقَالٌ»<sup>۲</sup>؛ برای هر مقامی، کلامی سزاوار است.»

پس شناخت محیط را از لحاظ روحی و معنوی مد نظر داشته باشید.

### ۲. جایگاه طرح آیات و روایات

یک نکته قابل توجه، بسیار مفید و حساس در استفاده از آیات و روایات این است که بعد از طرح سؤال و زمینه‌سازی، جواب را از زبان خداوند متعال و ائمه اطهار علیهم‌السلام بیان کنیم.<sup>۳</sup> اکثر اوقات، وقتی سؤالی مطرح

۱. کنز العمال، خ ۵۳۰۷.

۲. غررالحکم، ص ۲۱۲، ح ۴۱۳۰.

۳. برگرفته شده از سخنان یکی از اساتید حوزه.

می‌شود، ابتدا جواب را به سلیقه و بیان خود یا از کلام دانشمندان و متفکران بیان می‌کنیم، سپس آیه یا روایت مربوط را ذکر می‌کنیم؛ در حالی که معنا و مفهوم چنین روشی این است که ما پاسخ را به دست آورده‌ایم و آیه و روایت شاهد صحت و مؤید حرف ماست و اگر سخن خدا و معصومین علیهم‌السلام هم نبود، مشکلی پیش نمی‌آمد.

مثلاً نوجوانی از شما می‌پرسد: «من پدرم رو از دست دادم و هنوز چهل روز از وفات او نگذشته. گاهی بسیار دلگیر، ناراحت و افسرده می‌شم. شما برای آرامش روحی بنده چه پیشنهادی دارید؟»

اگر جواب را بر طبق پیشنهاد آنتونی رابینز ذکر کنید و بگویید:

«راههای شادمانی عبارت‌اند از:

۱. پخش نوار موسیقی و هم آواز شدن با آن؛

۲. تماشای فیلم خنده دار؛

۳. رفتن به کنسرت؛

۴. گوش دادن به نوارهای آموزنده؛

۵. مطالعه کتاب؛

۶. گرفتن دوش آب گرم؛

۷. ورزش؛

۸. ...<sup>۱</sup>»

همچنین یاد خوشیها و خاطرات شاد،

شما رو شاداب می‌کنه؛ این چنین تلقین رو ادامه بده و به خوبیها فکر کن تا افسردگی ات تموم بشه؛ البته در قرآن هم آمده: «لَسِنَّ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»<sup>۲</sup> ...»<sup>۱</sup> مخاطب چه تصویری از پاسخ شما پیدا می‌کند؟ به گفته چه کسی عمل می‌کند؟ اگر بار دیگر مشکلی برایش پیش آید، برای جواب به کجا می‌رود؟ از چه کسی طلب و در چه کتابی جستجو می‌کند؟

اما اگر پس از طرح سؤال، در همان ابتدا، جواب را با خواندن آیه و روایت به مخاطب برسانیم، عملاً این امر را به وی القاء کرده‌ایم که جواب از کلام وحی به دست آمده است، نه از ذهن خودمان یا کلام دانشمندان.

از طرف دیگر، مخاطب نیز اثر مفاهیم اسلام ناب را در متن زندگی خود ملموس تر حس می‌کند؛ مثلاً شما می‌توانید در مورد سؤال آن نوجوان، این چنین جواب دهید:

«امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید: «مَوْتُ الْوَالِدِ قَاصِمَةُ الظَّهْرِ؛<sup>۳</sup> مرگ پدر، کمر

۱. به سوی کامیابی، آنتونی رابینز، چاپ راه بین، ج ۲، ص ۱۶۸.

۲. ابراهیم/۷.

۳. غرر الحکم، ص ۴۰۷، ح ۹۳۴۳. القَصْمُ: دَقُّ الشَّيْءِ، كَسْرُ الشَّيْءِ الشَّدِيدِ. (لسان)

شکن است.»

واقعاً این مصیبت برای آدم خیلی سنگینه، اما باید چه کنیم تا راحت تر این مصیبت رو تحمل کنیم؟

خداوند می فرماید: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»؛<sup>۱</sup> «کسانی که وقتی مصیبتی به آنها می رسد، می گویند: ما از خداییم و به سوی او بر می گردیم.»

فهمیدن اینکه ما از خداییم و به سوی او بر می گردیم، بسیار آدم رو تسلی می ده، به این شرط که در موردش فکر کنیم و معنانش رو بفهمیم.

روزی حضرت علی علیه السلام پیش اشعث بن قیس اومد. او به خاطر مرگ برادرش خیلی ناراحت بود و سوگواری و بی تابیی می کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمودند: «إِنْ جَزَعْتَ فَحَقَّ الرَّحِمُ أَتَيْتَ وَإِنْ صَبَرْتَ فَحَقَّ اللَّهُ أَذَيْتَ»<sup>۲</sup> اگر بی تابیی کنی، حق فامیل را به جا آورده ای؛ اما اگر صبر کنی، حق خدا را اداء کرده ای.»

سپس در ادامه فرمودند: «عَلَىٰ أَنْكَ إِنْ صَبَرْتَ جَرَىٰ عَلَيْكَ الْقَضَاءُ وَأَنْتَ مَخْمُودٌ وَإِنْ جَزَعْتَ جَرَىٰ عَلَيْكَ الْقَضَاءُ وَأَنْتَ مَذْمُومٌ»<sup>۳</sup> به علاوه اینکه اگر صبر کنی، حادثه حتمی بر تو واقع شده است، در حالی که (به خاطر صبرت) مورد ستایش

قرار می گیری و اگر بی تابیی کنی، (باز) واقعه ناگوار بر تو فرود آمده، [با این تفاوت که] مورد نکوهش قرار می گیری.»  
در این هنگام اشعث آیه «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»<sup>۴</sup> رو تلاوت کرد.

حضرت امیر علیه السلام سؤال کرد: آیا تأویل و تفسیر این آیه رو می دونی؟  
اشعث جواب داد: خیر، تو پایان علم و انتهای آن هستی.

سپس حضرت فرمودند: «أَمَّا قَوْلُكَ إِنَّا لِلَّهِ فَإِقْرَازٌ مِنْكَ بِالْمُلْكِ وَأَمَّا قَوْلُكَ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ فَإِقْرَازٌ مِنْكَ بِالْهَلَاكِ»<sup>۵</sup> اینکه می گویی ما از خداییم، اقراری از توست بر اینکه خداوند مالک توست و اینکه می گویی ما به سوی خدا بر می گردیم، بدین مفهوم است که تو به مرگ اعتراف کرده ای.»  
همچنین یاد مرگ، از دردهای روحی آدم کم می کنه.

امیرالمؤمنین علیه السلام که خودش به تنهایی سنگین ترین مصیبت عالم هستی

۱. بقره/۱۵۶.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۱، ح ۴۰.

۳. همان. القضاء: الحکم، بمعنی العمل، و یکون بمعنی الصنع و التقدير، الحتم و الأمر. (لسان)

۴. بقره/۱۵۶.

۵. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۱، ح ۴۰. المُلک بالضم: المملكة و قیل السلطنة و هی الاستیلاء مع ضبط و تمکن من التصرف. (مجمع)

الهام بخش آیات و روایات است که نسیم طراوت را در روحش می دمد.

با این روش، مخاطب این مطلب را به خوبی می فهمد که جواب او در قرآن و روایات بوده است و اگر دوباره ناراحتیها، افسردگیها، ناامیدیها و ... به او هجوم آورد، که چنین امری در نوجوانان بسیار اتفاق می افتد، به طور خودکار معنا یا مضمون آیه شریفه در ذهنش نقش می بندد و به تدریج، این قسمت از زندگی اش با معارف اسلامی شکل می گیرد، ان شاء الله.

از طرف دیگر، اگر با مشکل یا سؤال دیگری مواجه شود، جواب را در ثقلین جستجو می کند.

### ۳. قرائت عربی آیات و روایات

تا آنجا که امکان دارد متن عربی آیه و روایت را بخوانید و حتی اگر برای کودکان سخن می گوید، به بیان مضمون یا ترجمه اکتفاء نکنید؛ زیرا قرائت عربی آیه و روایت:

● در مخاطب اثرات مثبت معنوی می گذارد؛

● از همان طفولیت، ذهنش را با کلام وحی و عترت انس می دهد و آشنا

رو لمس کرده، می فرماید: «أَكْبِرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ وَ يَوْمِ خُرُوجِكُمْ مِنَ الْقُبُورِ وَ قِيَامِكُمْ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ تَهْوَنَ عَلَيْكُمْ الْمَصَائِبُ»<sup>۱</sup>؛ مرگ و روزی را که از قبرها برانگیخته می شوید و در مقابل خداوند می ایستید، را زیاد یاد کنید. [با این عمل] تحمل مصیبتها برایتان آسان می شود.»

امام صادق علیه السلام راه دیگه ای رو برای مقابله با سختیهای روحی پیش پای ما می دارن: «إِذَا أُصِيبَتْ بِمُصِيبَةٍ فَأَذْكُرْ مُصَابِكَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ فَإِنَّ الْخَلْقَ لَمْ يُصَابُوا بِمِثْلِهِ قَطُّ»<sup>۲</sup> هنگامی که گرفتاری بر تو وارد شد، مصیبتهای رسول خدا (بر او و خاندانش درود باد) را به یاد آور؛ همانا هیچ کسی به اندازه او سختی نکشیده است.»

یه راه دیگه برای آرامش و رهایی از همه دغدغه های کوچک و بزرگ، رفتن به هیئتها و مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام است. تجربه، این مطلب رو برای میلیونها نفر ثابت کرده. امتحانش ضرری نداره.»

شما می توانید آیات و روایات را با توضیحات بیشتری ارائه دهید.

هنگامی که انسان در مصیبتی گرفتار می شود، خیلی زودتر و راحت تر تعبد به مطالب دینی پیدا می کند و حتی مسائل عقلی و فلسفی برای او آرام بخش نخواهد بود؛ زیرا تشویش او روحی است و مطالب

۱. بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۳۲، ح ۲۶.

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۶۷، ح ۳۶۰۷.

می‌سازد؛

روایات را نیز به او القاء می‌کند و به مرور زمان، این مطلب را می‌فهمد که بیان روایات باید از کتاب معتبر و معروفی باشد. قطعاً وقتی مخاطب اطمینانش نسبت به صدور روایت از معصومین علیهم‌السلام بالا رود، میزان پذیرش آن نیز بیشتر می‌شود.

مولای متقیان، علی علیه‌السلام می‌فرماید: «إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَأَسْنِدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَلَكُمْ وَإِنْ كَانَ كَذِبًا فَعَلَيْهِ»<sup>۱</sup> و وقتی حدیثی را بیان می‌کنید، آن را به کسی که از او شنیده‌اید، مستند و منتسب سازید. اگر حدیث راست و صحیح بود، (پاداشش) بر شما و گرنه (عقابش) با او خواهد بود.»

#### ۶. نتیجه‌گیری

پس از بیان پیامها و برداشتها، زمان نتیجه‌گیری فرا می‌رسد. اگر توان علمی شما اقتضا می‌کند، بسیار پسندیده است که نتیجه هم از زبان آیات و روایات مطرح گردد تا بر حسن ختام بحث نیز کلام وحی و آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بدرخشد.

● به شنیدن سخن عربی عادت و حتی رابطه عاطفی با متن آیه و روایت برقرار می‌کند؛ خصوصاً اگر در شادیهها و خوشیها متن عربی گفته شود؛

● آیات و روایات روح و جذبه خاصی دارند که عرب و عجم را مجذوب خود می‌کند. به همین دلیل با قرائت عربی، میزان اثرگذاری افزایش می‌یابد؛ کما اینکه بسیاری که با زبان عربی آشنا نیستند، وقتی عبارت عربی آیه و روایت را می‌شنوند، جذب گفته‌های گوینده می‌شوند.

#### ۴. قرائت صحیح آیات و روایات

متن عربی آیه و روایت را صحیح و روان قرائت کنید. صحیح و روان خوانی علاوه بر اینکه برآزنده یک مبلغ و مربی اسلام است و شخصیت او را بهتر می‌شناساند، اثرات غیر مستقیم خود را نیز بر مخاطب دارد.

وقتی با سختی، مکث و تکرار روایتی را می‌خوانید، این امر در ذهن شنونده نقش می‌بندد که خواندن قرآن و سخنان معصومین علیهم‌السلام خیلی سخت است.

#### ۵. مستند گویی روایت

بردن نام کتاب مرجع و مؤلف آن، همان طور که مخاطب را با کتب روانی و علماء و محدثین آشنا می‌سازد، معتبر بودن

۱. الکافی، ج ۱، ص ۵۲، الإسناد فی الحدیث: رفعه إلی قائله. (مجمع البحرين)